

ایران از غزنویان تا مغولان

مقدمه

در فاصله سده‌های چهارم تا هفتم هجری، سپهسالاران و سران قبایل ترک در ایران به قدرت رسیدند و حکومت‌های غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان را بر سر کار آوردند. در این درس، مهم‌ترین تحولات ایران در آن دوره، مطالعه و بررسی می‌شود.

ورود ترکان به ایران

درآمدند و به درون قلمرو خلافت اسلامی راه یافتند. علاوه بر آن، برخی از طوایف و قبایل ترک با پذیرش اسلام، توانستند به ماوراءالنهر و سپس خراسان و دیگر نواحی ایران نفوذ کنند؛ زیرا بر اساس تعالیم اسلام همه مسلمانان با هم برادر و برابر شمرده می‌شدند. ترکمانان سلجوقی بدین‌گونه وارد ایران شدند.

حکومت غزنویان

تأسیس و استقرار: برخی از ترکانی را که امیران سامانی در دربار و سپاه خود به خدمت گرفتند، تا مرتبه فرماندهی سپاه (سپهسالاری) و حاجبی (رئیس تشریفات دربار) پیش رفتند و شروع به دخالت در امور حکومتی کردند. اَلْبَتَّکین از جمله این سپهسالاران بود

قبایل کوچ‌نشین و پراکنده ترک از گذشته‌های بسیار دوری در صحرای جنوب سیبری و شمال چین می‌زیستند. در سده ششم میلادی این قبایل متحد شدند و حکومتی قدرتمند را به وجود آوردند. از آن زمان به بعد هجوم آنها به سرزمین‌های همجوار از جمله ایران آغاز شد. از این‌رو، یکی از مسائل و مشکلات ساسانیان در اواخر حکومتشان، دفع حملات ترکان بود.

اعراب مسلمان در جریان پیشروی در مرزهای شمال‌شرق ایران با ترکان برخورد کردند. در طول سده‌های نخست هجری، فرماندهان و امیران مسلمان، بارها با شعار جهاد، به ماوراءالنهر و سرزمین‌های آن سوی سیحون لشکرکشی کردند. در جریان این لشکرکشی‌ها شماری از ترکان به اسارت مسلمانان

داشت. اوضاع دربار غزنه نابسامان شد و نظارتی بر کار مقامات کشوری و لشکری نمی‌شد. وضعیت خراسان، مهم‌ترین ولایت پریشان‌تر از سایر ولایات بود و اجحاف و بیدادگری مأموران مالیاتی را حد و حصری نبود. ترکمان سلجوقی مستقر در آن ولایت از این شرایط استفاده کردند و با شکست غزنویان به حاکمیت آنان بر خراسان پایان دادند. سلطان مسعود مدتی بعد از این شکست، توسط سپاهیان شورشی خود به قتل رسید. جانشینان او تا سال‌ها بر قسمت‌هایی از افغانستان کنونی و مناطق شمال‌غربی هندوستان حکومت کردند.

سیاست و مُلک‌داری: اساس حکومت غزنویان بر سپاهی مجهز و قدرتمند استوار بود، آنان نمی‌توانستند همانند سامانیان و دیگر سلسله‌های ایرانی به پشتیبانی خاندان‌های متنفذ محلی و توده‌های مردم دلگرم باشند؛ بنابراین ناگزیر بودند این ضعف را از طریق قدرت نظامی جبران کنند. غزنویان تشکیلات منظم دیوانی و اداری

سلطان محمود به اوج خود رسید و در زمان جانشینان او ادامه یافت. این لشکرکشی‌ها که به اسم جهاد برای گسترش اسلام انجام گرفت، آثار و نتایج مختلفی برای غزنویان داشت:

۱- تصاحب گنجینه‌های مملو از طلا و جواهر معابد و بتکده‌های هند؛

۲- کسب اعتبار و مشروعیت دینی و سیاسی به عنوان جهادگر؛

۳- جلوگیری از بحران‌آفرینی نظامیان از طریق سرگرم کردن آنان به عملیات‌های جنگی.

پس از مرگ سلطان محمود (۴۲۱ق)، پسرش محمد، مطابق تصمیم پدر در غزنه به تخت نشست، اما برادرش مسعود که از قابلیت نظامی بیشتری برخوردار بود، او را از قدرت کنار زد. برخورد شدید سلطان مسعود با درباریان و دیوانیان هوادار محمد و بردار کردن حسنگ وزیر، نتایج نامطلوبی برای حکومت غزنوی

یک توضیح

داستان حسنگ وزیر

ماجرای بردار کردن حسنگ وزیر یکی از روایت‌های شنیدنی تاریخ بیهقی است. ابوعلی حسن‌بن محمد، معروف به حسنگ وزیر از خاندان مشهور میکالیان نیشابور بود. سلطان محمود او را به وزارت خود گماشت و حسنگ تلاش زیادی برای به تخت نشستن محمد، پسر محمود کرد. سلطان مسعود و برخی از رقیبان حسنگ مانند بوسهل زوزنی که کینه او را سخت به دل داشتند، وی را بردار کردند. در تاریخ بیهقی آمده است: «... و مادر حسنگ زنی بود سخت جگرآور... چون [خبر مرگ پسر] بشنید جزعی نکرد چنان که زنان کنند؛ بلکه بگریست به درد، چنان که حاضران از درد وی خون گریستند. پس گفت: بزرگ مردا که این پسرم بود که پادشاهی چون محمود این جهان بدو داد و پادشاهی چون مسعود آن جهان».



مهم ترین آثار به جا مانده از دوره حکومت غزنویان و غوریان، چند مناره در کشور افغانستان امروزی است. در سمت چپ، مناره ای مربوط به زمان یکی از فرمانروایان غزنوی و در سمت راست، مناره ای که توسط فرمانروایان غوری بنا شده، دیده می شود. شما فکر می کنید این مناره ها به چه منظوری ساخته شده اند؟

امپراتوری سلجوقیان

تأسیس حکومت: سلجوقیان گروهی از ترکان بودند که به واسطه رهبر خود سلجوق، به این نام معروف شدند. آنان پس از آنکه به اسلام گرویدند، ابتدا به ماوراءالنهر و سپس به خراسان کوچ کردند. در دوران زمامداری سلطان مسعود غزنوی، گروهی از سلجوقیان، به فرماندهی طغرل (نوه سلجوق)، با استفاده از اوضاع نابسامان غزنویان و غفلت سلطان از خراسان، شروع به تاخت و تاز در آن دیار کردند. آنان پس از تصرف چند شهر از جمله نیشابور، سپاه غزنوی را در جنگ دندانقان شکست دادند و بر خراسان مسلط شدند. طغرل بعد از آن، ولایات ایران را یکی پس از دیگری تسخیر کرد و سرانجام به بغداد رفت و به سلطه آل بویه بر خلافت عباسی پایان داد. پس از آن بود که خلیفه حکومت طغرل را به رسمیت شناخت و مورد

حکومت سامانی را به همراه دیوان سالاران آن به خدمت گرفتند. دربار غزنه مانند دربار بخارا، مملو از شاعران فارسی گو و دانشمندان ایرانی بود؛ اما سلاطین غزنوی هیچ گاه از سیاست مدارای مذهبی و فرهنگی سامانیان پیروی نکردند. آنان نسبت به پیروان مذهب شیعه بسیار سختگیر بودند. سلطان محمود پس از تسخیر ری، با شیعیان به خشونت و قساوت رفتار کرد.

فرمانروایان غزنوی و به ویژه سلطان محمود، روابط دوستانه ای با دستگاه خلافت عباسی برقرار کردند و خود را تابع و مطیع خلیفه بغداد خواندند. آنان بخشی از غنایم جنگی هندوستان را به عنوان هدایا و عطایا به بغداد می فرستادند. خلفای عباسی نیز با دادن لوا، منشور، لقب و خلعت، سلاطین غزنوی را تأیید و پشتیبانی می کردند.

تأیید قرارداد.

گسترش قلمرو و اوج اقتدار: در زمان آلبراسلان، جانشین طغرل سرزمین‌های دیگری ضمیمه قلمرو سلجوقیان شد. وی به منظور گسترش اسلام به قفقاز لشکر کشید و سپس در نبرد مهم ملازگرد، سپاه امپراتوری روم شرقی را شکست داد، امپراتور را اسیر کرد و آسیای صغیر را به متصرفات خود افزود. در نتیجه این فتوحات، قلمرو سلجوقیان از رود سیحون در شرق تا دریای مدیترانه در غرب گسترش یافت. این وسیع‌ترین قلمرو یک حکومت در ایران دوره اسلامی بود؛ از این رو، پژوهشگران تاریخ، عنوان امپراتوری را برای حکومت سلجوقی به کار برده‌اند.

در دوران ملکشاه حکومت سلجوقی به اوج قدرت رسید. دودمان‌های محلی حاکم منقرض شدند یا تابعیت



برج طغرل دری



قلمرو سلجوقیان در زمان ملکشاه

۱- لقبی ترکی به معنای شیر شجاع (آلب = شجاع، ارسلان = شیر)

اسماعیلیان فرمانروایان کوهستان

اسماعیلیه گروهی از شیعیان اند که اسماعیل فرزند امام جعفر صادق علیه السلام را جانشین آن حضرت می‌دانند. اینان خود به چندین فرقه و گروه تقسیم می‌شوند. اسماعیلیان از قرن سوم هجری فعالیت خود را در ایران آغاز کردند و در زمان سلجوقیان به رهبری حسن صباح به یک جریان مذهبی - سیاسی نیرومند تبدیل شدند. آنان با تصرف و یا بنای تعدادی دژ (قلعه) در نواحی عمدتاً کوهستانی ایران، پایگاه‌های مستحکمی برای خود ایجاد کردند. دژ الموت در نزدیکی قزوین و شاه‌دژ در اصفهان از جمله مهم‌ترین آنها بودند. سلجوقیان عملیات‌های نظامی گسترده‌ای را علیه اسماعیلیان تدارک دیدند؛ اما موفق به نابودی آنها نشدند. قدرت سیاسی و نظامی اسماعیلیان سرانجام توسط هولاکوخان مغول از بین رفت.

دچار آشفتگی شد. رقابت‌های خانوادگی و اختلاف و ناسازگاری خاندان سلجوقی، ثبات و استحکام امپراتوری را از بین برد و اتابکان را به طمع انداخت که حکومت‌هایی مستقل تأسیس کنند. مهم‌ترین آنها، اتابکان یزد، فارس و آذربایجان بودند.

سرانجام در اواخر سده ششم هجری، خوارزمشاهیان، اتابکان و خلافت عباسی، هر کدام بر بخشی از قلمرو سلجوقی مسلط شدند و به زمامداری نوادگان سلجوق در ایران پایان دادند.

سلطان سلجوقی را پذیرفتند. ملک‌شاه به مرزهای غربی و شمال‌غربی امپراتوری توجه بسیار داشت. او به منظور تحکیم حاکمیت سلجوقیان بر آسیای صغیر، گروه‌هایی از ترکان را در آنجا سکونت داد. خواجه نظام‌الملک، وزیر مشهور آل‌بارسلان و ملک‌شاه، نقش مؤثری در اداره امور امپراتوری سلجوقی به عهده گرفت و سهم بسزایی در توسعه و اقتدار آن امپراتوری داشت.

انحطاط و سقوط: پس از درگذشت خواجه نظام‌الملک و ملک‌شاه، سرزمین‌های زیر سلطه سلجوقیان

رسم اتابکی

اتابک، لقب یا عنوانی بود که سلاطین سلجوقی به برخی از امرای خود که تربیت و سرپرستی شاهزادگان را به عهده داشتند، می‌دادند. رسم اتابکی در دوره سلجوقیان رواج یافت. بر پایه این رسم، شاهزادگان سلجوقی از زمان کودکی تحت سرپرستی و تربیت امیری باتجربه به حکومت ولایات منصوب می‌شدند که راه و رسم حکومت‌داری را بیاموزند. هنگامی که حکومت سلجوقیان رو به ضعف گذاشت، اتابکان، شاهزادگان سلجوقی را کنار زدند و حکومت‌های مستقلی بر پا کردند.

چندین نوبت وارد جنگ با سلجوقیان شدند.

حکومت خوارزمشاهیان

خوارزم یکی از سرزمین‌های کهن و آباد ایران بود. این سرزمین در جنوب دریاچه آرال و در محل اتصال رود جیحون به آن دریاچه واقع شده است.^۱ از دوران باستان، به حاکمان آن سرزمین، خوارزمشاه می‌گفتند. خوارزم در قرن چهارم هجری از مراکز مهم فرهنگی و اقتصادی ایران به شمار می‌رفت و دانشمندان بزرگی مانند فارابی، ابن سینا و ابوریحان بیرونی در آن دیار پرورش یافتند.

تأسیس و استقرار: در زمان ملکشاه سلجوقی، اداره خوارزم به یکی از امیران ترک به نام انوشتکین واگذار شد. فرمانروایی بر خوارزم در خانواده انوشتکین موروثی شد. خوارزمشاهیان با وجود استقلال داخلی، مطیع سلجوقیان بودند. آنسز، نوه انوشتکین با مشاهده بروز هرج و مرج در حکومت سلجوقی، از تابعیت سلجوقیان خارج شد و به کشورگشایی پرداخت. تکش، پسر و جانشین او، آخرین سلطان سلجوقی^۲ را شکست داد و بر مناطق وسیعی در شرق و مرکز ایران تسلط یافت. سلطان محمد خوارزمشاه، فرزند و جانشین تکش، راه پدر را در گسترش قلمرو ادامه داد. خوارزمشاهیان با پیشروی در شرق ماوراءالنهر و تصاحب قلمرو قراختاییان^۳، با مغولان همسایه شدند.

سیاست و حکومت: ترکمانانی که در سده پنجم هجری به رهبری خاندان سلجوقی زمام قدرت سیاسی و نظامی را در ایران به دست گرفتند ناگزیر از اداره سرزمین آباد و متمدنی بودند که ابعادی گسترده‌تر از زندگی طایفه‌ای و قومی آنان داشت. اگرچه حدود یک قرن از مسلمان شدن و سکونت سلجوقیان در ایران می‌گذشت، اما به لحاظ فرهنگی و تمدنی به سطحی نرسیده بودند که از عهده امور پیچیده حکومتی برآیند؛ از این رو، ناگزیر بودند، مسئولیت امور اداری، مالی و فرهنگی را به ایرانیان واگذار کنند. شمار زیادی از دیوانسالاران ایرانی که پیش از آن در خدمت غزنویان و سامانیان بودند به فرمانروایان جدید پیوستند. آنان کوشیدند تا رموز و فنون کشورداری را به حاکمان سلجوقی بیاموزند و تشکیلات اداری و مالی را سامان دهند. در نتیجه کوشش دیوانیان، دانشمندان و عالمان ایرانی بود که حکومت سلجوقی به حکومتی مدافع و مروج سنت‌ها و فرهنگ ایرانی - اسلامی از جمله زبان فارسی تبدیل شد.

سلجوقیان خود را منجی و پشتیبان خلافت عباسی می‌شمردند و تمایل داشتند خلفا به پیشوایی مذهبی قناعت و قدرت سیاسی و نظامی را به آنان واگذار کنند؛ بنابراین، در مواقعی که خلفا مطابق میل آنها عمل نمی‌کردند، به دشمنی با خلافت برمی‌خاستند. چنان‌که ملکشاه، خلیفه را به خاطر مخالفت با درخواست‌هایش تهدید به حمله نظامی کرد. در اواخر حکومت سلجوقیان، خلفای عباسی در اندیشه تجدید قدرت سیاسی و نظامی گذشته خود برآمدند و

۱- منطقه خوارزم در کشور کنونی ازبکستان قرار دارد؛ گرگانج و کات مهم ترین شهرهای قدیمی ناحیه خوارزم بودند.

۲- طغرل سوم

۳- قراختاییان، دسته‌ای از بیابانگردان مغولی شمال چین بودند که به سمت غرب آمدند و با تصرف ماوراءالنهر حکومت قراختاییان را نابود کردند و

بر قلمرو آنها حاکم شدند.



قلمرو خوارزمشاهیان (سلطان محمد خوارزمشاه)

تجاری مغول را به اتهام جاسوسی، قتل و عام و غارت کرد، به چنگیزخان بهانه داد که به ایران هجوم آورد. خوارزمشاهیان به سبب اختلاف و درگیری با خلافت عباسی و ناهماهنگی و عدم انسجام قلمروشان، نتوانستند تمام نیروها و امکانات ایران و حتی جهان اسلام را برای مقابله با تهاجم مغولان بسیج کنند. شیوه دفاعی سلطان محمد خوارزمشاه به سود مغولان تمام شد؛ زیرا او سپاه را در شهرها متفرق کرد و خود به داخل ایران گریخت. فرار او،^۲ موجب تضعیف روحیه و کاهش توان پایداری سپاهیان و مردم شد.

خوارزمشاهیان و خلافت عباسی : فرمانروایان خوارزم نیز همچون سلجوقیان انتظار داشتند خلفای عباسی به پیشوایی دینی بسنده کنند و امور سیاسی و نظامی را به سلاطین واگذار نمایند، اما خلفا که در فکر احیای موقعیت سیاسی و نظامی خود بودند به تقاضای آنان پاسخ منفی دادند. سلطان محمد خوارزمشاه قصد داشت به بغداد لشکرکشی کند اما فرصت نیافت. البته برخوردهایی نظامی میان جانشین او و خلیفه عباسی رخ داد.

فروپاشی حکومت خوارزمشاهیان : وقتی که حاکم اترار^۱ به دستور سلطان محمد خوارزمشاه، کاروان

۱- اترار یا فاراب شهری کهن در کرانه غربی سیحون و بر سر راه ابریشم (واقع در کشور کنونی قزاقستان) قرار داشت.
 ۲- سلطان محمد خوارزمشاه از ترس مغولان به جزیره آبسکون در دریای مازندران پناه برد و همانجا درگذشت.

سلطان جلال‌الدین، آخرین خوارزمشاه، در صدد برآمد حکومت خوارزمشاهی را احیا کند و در جنگ با مغولان به پیروزی‌هایی نیز دست یافت؛ اما این موفقیت‌ها گذرا بود؛ زیرا نتوانست تمامی خاندان خوارزمشاهی، سرداران و حکومت‌های محلی را برای مبارزه با هجوم مغولان متحد کند. وی بیشتر دوران حکومتش را به درگیری با مخالفان داخلی و خلافت عباسی و جابه‌جایی از شهر و ولایتی به شهر و ولایت دیگر گذراند و سرانجام در یکی از جنگ و گریزها با مغولان، کشته شد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

اختلاف، دشمنی و درگیری میان خوارزمشاهیان و خلافت عباسی چه تأثیری بر نتیجه تهاجم مغولان به ایران داشت؟

با مطالعه درس، بررسی نقشه‌ها و راهنمایی دبیر خود، جدول زیر را کامل کنید.

اتابکان لر کوچک	اتابکان لر بزرگ	اتابکان فارس	اتابکان آذربایجان	اتابکان یزد	خوارزمشاهیان	سلجوقیان	غزنویان	
۱۰۰۶-۵۸۰ ق	۸۲۸-۵۵۰ ق	۶۸۵-۵۴۳ ق	۶۲۲-۵۴۱ ق	۷۱۸-۵۳۶ ق	۶۲۸-۴۹۰ ق	۵۹۰-۴۲۹ ق	۵۸۳-۳۵۱ ق	دوره حکومت
شجاع‌الدین خورشید	ابوطاهر محمد	مظفرالدین سنقرین مودود	شمس‌الدین ایلدگز	رکن‌الدین سام	قطب‌الدین محمد بن انوشتکین	مؤسس
.....	لاهور	مرکز
.....	اران	قلمرو
تابعیت و عدم تابعیت متناوب عباسی و مغولان	درگیری با اتابکان فارس، اظهار اطاعت به مغولان	درگیری با اتابکان آذربایجان و لرستان، اظهار اطاعت به مغولان	همکاری با خلافت علیه سلجوقیان، درگیری با خوارزمشاهیان	پذیرش تابعیت مغولان	درگیری با سلجوقیان	درگیری با غزنویان	لشکرکشی به هند	رویدادهای مهم

پرسش‌های نمونه

- ۱- روند قدرت‌یابی غزنویان را از البتکین تا سلطان محمود به اختصار شرح دهید.
- ۲- لشکرکشی‌های غزنویان به هندوستان چه پیامدهایی داشت؟
- ۳- وجوه تشابه و تفاوت روابط غزنویان و سلجوقیان با خلافت عباسی را بنویسید.
- ۴- نقش و اهمیت دیوان‌سالاران ایرانی را در نظام حکومتی سلجوقیان توضیح دهید.
- ۵- چرا مناسبات خوارزمشاهیان با خلفای عباسی خصمانه بود؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- درباره نقش و تأثیر ترکان خاتون، مادر سلطان محمد خوارزمشاه بر رویدادهای سیاسی آن دوره، مطلبی تهیه کنید.
- ۲- مهدی حمیدی شیرازی، پیروزی جلال‌الدین خوارزمشاه در جنگ با مغولان (جنگ پروان) و عبور از رود سند را در شعری حماسی به تصویر کشیده است. این شعر را جست‌وجو کرده و در کلاس بخوانید و تحلیل نمایید.